

درنگ

دکتر رجبعلی لیاف خانیکی درباره طرح، استفاده بهینه از اشیای باستانی و گنج ها، می گوید
این طرح، سرعت مادی و معنوی تاریخ است



کاوش های باستان شناسی در منطقه خاکی خاکی در استان خراسان

لیلا کوچک زاده

بیش از یک هفته از اعلام وصول طرح، استفاده بهینه از اشیای باستانی و گنج ها، که به امضای ۴۶ نماینده مجلس رسید، می‌گذرد و مخالفت‌ها به‌آن به‌شکل‌های مختلف ادامه دارد. ارائه‌کنندگان طرح بهینه‌سازی، رویکرد این طرح را اشتغال‌زاینده دانسته‌اند و به دنبال سروسامان دادن به‌کاوش‌های باستان شناسانه با تبدیل ایران به‌هاب منطقه‌ای خرید و فروش آثار باستانی که منجر به‌رودارز خواهد شد، هستند. اما این طرح با واکنش‌ها و نگرانی‌های استادان و متخصصان باستان‌شناسی، ایران‌شناسی و جامعه‌شناسی و همچنین مقام‌های مسئول وزارت میراث فرهنگی همراه شده‌است. علی‌اداری، معاون قائم‌مقام وزیر میراث فرهنگی، در نامه‌ای سرگشاده خطاب به‌نمایندگان مجلس، خواستار لغو کامل این طرح شده‌است. او ایراد‌های وارده به‌این طرح را تقلیل هویت میراث فرهنگی به‌امری مادی، نقض کنوانسیون‌های جهانی که اتفاقاً ایران از متقدمین پیوستن به‌آن بوده* و ایجاد انگیزه در حفاران غیرمجاز و... برشمرده‌است.

عزت... ضرغامی، وزیر میراث فرهنگی، نیز تصویب قانون جامع وزارت میراث فرهنگی را که در حال انجام است، مانعی جدی برای قوانین، آیین‌نامه‌ها و مصوبات هیئت وزیران و هر سند قانونی دیگر که در مغایرت با این قانون جامع باشد، عنوان کرده‌است.

● مخالف با تعریف میراث فرهنگی

دکتر رجبعلی لیاف خانیکی، باستان‌شناس و رئیس سابق سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع دستی خراسان رضوی، طرح بهینه‌سازی را صد درصد مخالف با تعریف میراث فرهنگی در قانون اساسنامه مجلس شورای اسلامی که در اردیبهشت سال ۱۳۶۷ تصویب شده‌است، می‌داند و می‌گوید: در تعریف میراث فرهنگی آمده که آثار باقی‌مانده از گذشتگان است و نشانگر حرکت انسان در طول تاریخ است که با شناسایی آن، زمینه‌شناخت هویت و خط فرهنگی انسان میسر و زمینه‌های عبرت‌آفرها هم می‌شود، در حالی که طرح بهینه‌سازی با بقای هویت ملی، صد درصد منافات دارد و در واقع نادیده گرفتن حیثیت و اعتبار ملت و مملکت ماست.

او اضافه می‌کند: در هیچ کشوری و جامعه‌ای چنین طرحی را سراغ نداریم، بلکه می‌بینیم تمام ملت‌ها به گذشته و آنچه باقی‌مانده اقتضار می‌کنند. گردشگرانی نیز که در کشورهای دیگر حاضر می‌شوند، پیش از بازدید از فناوری و نوآوری‌های هر کشور، ابتدا از آثار تاریخی آن کشور بازدید می‌کنند، مطمئن باشند که چنین طرحی منجر به تحقیر بزرگ ایران در جوامع جهانی خواهد شد و امیدوارم اتفاق نیفتد.

● در میراث فرهنگی شیء تکراری نداریم

«موارد این طرح، خلاف مصلحت نظام و حتی نوعی سرعت قانونی از ملت است، هم سرعت مادی و هم سرعت معنوی». لیاف خانیکی این جمله را می‌گوید و ادامه می‌دهد: می‌شنویم که می‌گویند ما می‌خواهیم اشیای تکراری را بفروشیم. در میراث فرهنگی شیء تکراری نداریم. شیء درج یک و دو درجه دو سه نداریم. تک‌تک اشیایی که اکتشاف می‌شود، منحصر به فرد است. هر کدام این‌ها، زبان حال و تاریخ مشخص دارد و در آن‌ها روح هنرمند و به تعبیری روح انسان دمیده‌است. تأیید می‌کنم که تکراری نیستند، چون با دست ساخته شده‌اند. بنابراین جدا کردن این‌ها، اصلی و فرعی کردنشان و تکراری نامیدنشان، صد درصد اشتباه است. او اضافه می‌کند: من خودم به عنوان فردی که شاگرد مکتب باستان‌شناسی است و در میراث فرهنگی حضور داشته‌ام، صد درصد مخالف این طرح هستم و امیدوارم که نویسندگان این طرح، حمیت داشته باشند و به گذشته و مملکت و اجدادشان ببیندیشند و از ارائه این طرح منصرف شوند.

● میراث فرهنگی باید پاسخ‌گوی انسان‌های آینده هم باشد

به گفته این پژوهشگر، بیش از ۴ میلیون سال از عمر انسان روی زمین می‌گذرد که حدود ۱۰ هزار سال را توانسته فرهنگ‌سازی کند، گرچه ارائه‌کنندگان طرح بهینه‌سازی، نشانه‌های فرهنگ‌سازی انسان را که در دل خاک باقی‌مانده‌است، گنج و دفینه می‌خوانند. او اضافه می‌کند: ما نمی‌دانیم تا چند میلیون سال دیگر، انسان‌ها روی کره زمین خواهند زیست. اما این آثار باقی‌مانده در دل تپه‌ها باید پاسخ‌گوی سؤال‌های بزرگ انسان‌های میلیون‌ها سال آینده باشند. اینکه انسان در این ۱۰ هزار سال، چگونه روی کره زمین فرهنگ‌سازی کرده، چگونه مسیر انسانی را پیش گرفته و تکامل یافته‌است.

● تبدیل اشیای تاریخی به کالای صرفاً پولی

لیاف خانیکی تأکید می‌کند بعد از اجرای این طرح، کسی نباید توقع داشته باشد و بخواهد و بتواند روی اشیای تاریخی مطالعه‌کند، آن‌ها را در موزه ببیند و هویت و شناسنامه این آثار را بداند. اومی‌گوید: آن طرف سفالی و سنگی و فلزی که از قدیم باقی‌مانده دارای هویت و شناسنامه‌است. شوش و نیشابور مکتب سفالگری داشته‌اند و همه چیز مشخص است و با همین هادقیقا می‌توانیم انسان را بر اساس آنچه از او باقی‌مانده، تعریف کنیم. اما با چنین طرح‌هایی همه این‌ها از بین می‌رود و اگر کاوشگران و دشمنان این آب و خاک به جان تپه‌های باستانی بیفتند، متأسفانه کارتل‌های بزرگ خرید و فروش اشیای عتیقه ایجاد می‌شود و رونق می‌گیرد، آن‌گاه آثار تاریخی کشورمان از موزه‌های کشورهای دیگر سردر می‌آورد و به کالای صرفاً پولی و سرمایه‌ای تبدیل می‌شود.

او اضافه می‌کند: آنچه داریم، از تاریخمان داریم، از تاریخ پرشکوه پیش از اسلام و تاریخ پرشکوه بعد از اسلام، از مقابر و مساجد و بناهای کهن و اشیای تاریخی عزیز و باشکوهی که در موزه‌ها و در دل خاک داریم که در آینده با تکنولوژی و توسط باستان‌شناسان از زیر خاک بیرون خواهند آمد، مطالعه می‌شوند و در باره‌شان کتاب‌نوشته می‌شود و ما می‌توانیم ملت ایران را به واسطه‌آن با افتخار به تمام دنیا معرفی کنیم. * ایران در سال ۱۳۵۳ به کنوانسیون ۱۹۷۰ یونسکو موسوم به کنوانسیون، اتخاذ تدابیر لازم برای ممنوع کردن و جلوگیری از ورود و صدور و انتقال مالکیت غیر قانونی اموال فرهنگی، ملحق شده‌است.

گذری بر سرنوشت و قوانین دفینه‌یابی در ایران و خراسان

تاریخ زیر خاکی

خرید و فروش آثار باستانی و ورودارز به‌کشور تبدیل‌کند، به چه قیمتی؟ زیراتحقق چنین رویایی، نیروی کارآموده و زبده می‌خواهد. آیا نویسندگان این طرح به این نکته توجه کرده‌اند که حفاری‌های غیرمجاز با افراد غیر حرفه‌ای و بدون دانش، می‌تواند چه آسیبی به اشیای میراثی که زین پس یافته می‌شوند، واردکند؟ سومین مسئله، استفاده از واژه گنج و اشیای باستانی در این طرح است که مخاطب را وامی‌دارد تا بپر سدنویسندگان چنین طرحی چه‌کسانی بوده‌اند. آیا کارشناس یا کارشناسان تاریخدانی در اتاق فکر پیشنهاد دهندگان بر این طرح نظارت داشته‌اند؟ زیرا کاملاً نکته‌دینگر اینکه، «گنج» در این عبارت به همان مفهوم عامه و مورد استفاده سوداگران و مافیای حفاری‌های غیرمجاز یعنی با تصور صندوقی پر از پول و جواهر به کاررفته‌است و یک تاریخدان یا باستان‌شناس هرگز از کلمه گنج برای آثار میراثی استفاده نمی‌کند. نکته دیگر اینکه، «باستان»، یک دوره تاریخی است که به میراث در زیر خاک مانده ایران پیش و پس از اسلام دلالت دارد و این شبهه را در ذهن‌ها پدید می‌آورد که آیا این طرح، تنها پر اشیای در خاک مانده پیش از اسلام دلالت دارد و پس از آن را رد بر نمی‌گیرد، و اگر چنین است، چطور می‌خواهند این تفکیک را اجرا کنند؟ گزارش پیش‌رو بررسی تاریخ دفینه‌یابی در ایران و خراسان و قوانینی است که تا کنون برای آن وضع شده‌است.

از فیروز تا به امروز

جالب است بدانید نخستین خبر اجازه حفاری و گنج‌یابی به دست مردم را نگارنده تاریخ طبری ثبت کرده‌وان را به فیروز شاه نسبت داده‌است. محمد بن جریر طبری می‌نویسد: «ایران در زمان زمامداری فیروز، هفت سال متوالی به قحطی دچار می‌شود، رودخانه‌ها، چشمه‌ها و قنات‌ها خشک شده و باغ‌ها و درختان بی ثمر گشته، رستنی در بیشه‌ها، دشت‌ها و تپه‌ها از میان رفته و حتی پرندگان و درندگان جملگی مرده‌اند، به گفته او، فیروز در این سال، مالیات و خراج را از مردم برمی‌دارد و در عوض از آنان می‌خواهد هر کس دفینه، گنج، انبار غله یا هر چه که بتوان با آن قوتی به دست آورد مردم را از مرگ نجات داد، بیرون بیاورد،»

میراث خواری

در مطبوعات دوره قاجار، اخبار بسیاری مبنی بر کشف گنج و دفینه به چشم می‌خورد اما نکته درخور توجه آن است که در با قاجار نه تنها با این دست حفرها و گنج‌یابی‌ها مشکلی ندارد، که خوشحال هم می‌شده، زیرا سود و سهمی در آن داشته‌است. برای نمونه، یکی از جراید، روز ۱۸ جمادی الاول ۱۳۲۸ می‌نویسد: «دفینه‌ای در سبزوار پیدا شده، از این قرار که آقا میرزا ابوالقاسم یزدی، خانه میرزا محمدخان مستوفی سبزووار را اجاره نموده بود، مدت سه سال آقا میرزا مستاجر عمه و بنایی گرفته، محلی را در همان خانه برای حوض حفر نموده‌اند، به اندازه یک زرغ و نیم که زمین را حفر کرده‌اند، خمی‌ظاهر می‌شود که به اندازه چهل من آبگیری آن بوده، در هر صورت میان او بوده از سه‌کس سلطان مسعود، هم طلای اعلا و هر سه که به وزن نیم مثقال، خلاصه خم را ربوده، از میانه برده مخفی می‌دارند. این خبر منتشر می‌شود، نظطیه تعاقب می‌کند، صاحبخانه و دو نفر عمه را دستگیر نموده در نظمیة استنطاق می‌نمایند. منکر می‌شوند. خلاصه ۲۵۷ عدد از همان سه‌کها بروز می‌دهند و می‌گویند همین بود. تا حال که دیگر بروز نداده‌اند. از قراری که می‌گویند عینا دفینه را برده‌اند به خانه یکی از وکلای انجمن ولایتی سبزووار. تعقیبات ادامه دارد.»

حدود یک ماه بعد در ۷ جمادی الثانی ۱۳۲۸ هجری قمری در باره این گنج یافته شده، تصمیم‌گیری می‌شود و خبر آن از طریق جراید به اطلاع عموم می‌رسد: «در صورت تلگراف وزارت داخله من باب دفینه سبزووار که به انجمن ولایتی سبزووار مخابره شده، آمده‌است، چند روز قبل منزل میرزا آقاخان مستوفی سبزووار دفینه‌ای پیدا شده، آمینان به دید آنچه پیدا شده، نصف از خود او باشد و نصف دیگر را به دولت بدهد.»

در خبر دیگری به ربط به این روزگار نیز چنین سیاهه شده‌است: «دفینه قدیمی در نزد میرزا علی محمد از اعضای انجمن ولایتی بوده‌است. هادی نام عمه‌در اعظمی مشهد اقرار کرده که به همراهی اعضوانجمن، این دفینه تبدیل به حزیته شده‌است. گویا از مشهد مأمور به جهت اخذ حقوق دولتی می‌رسد.»

گویا کاهی هم به دروغ خبر یافتن گنجی منتشر

قانون منع حفاری‌های غیر قانونی پس از انقلاب

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ خورشیدی، قانونی در باره جلوگیری از انجام حفاری‌های غیرقانونی به تصویب می‌رسد و شش سال بعد نیز قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی کشور به منظور مطالعه در آثار گذشتگان، انجام پژوهش‌های باستان‌شناسی، ثبت و حفاظت

پس از این تادوره ناصری اگر خبری از یافتن گنج هست، تصادفی است اما در دوره شاه صاحبقران، اولین اقدامات در زمینه حفاری‌های باستان‌شناسی توسط فرانسیوی هاضوت می‌پذیرد و ناصر تاجدار با انعقاد قرارداد، امتیاز انحصاری کاوش‌های علمی در این زمینه را به کاوشگران این کشور می‌سپارد، اتفاق نامبارکی که اسباب خروج اشیای عتیقه بسیاری را از ایران فراهم می‌کند. در واقع نخستین باستان‌شناسی که پایش به ایران باز شده، «مارسل دیولافوا» است که به همراه همسرش، «ژانت»، بارونیه فرانسه برمی‌چیند و راهی دیار شرق می‌شوند. این دو با حمایت ظل السلطان، پسر ناصرالدین شاه قاجار که در دوره زمامداری پدر، حکمران اصفهان بوده، سه سال تمام در شوش مشغول به حفاری می‌شوند. طبق آنچه ژانت در سفرنامه‌اش نوشته‌است. آن‌ها پس از این سه سال، تصمیم به رفتن می‌گیرند، در حالی که ۵۰۰ تن اشیای عتیقه را از دل خاک‌های ایران بیرون آورده‌اند و قرار است آن را از طریق بندر بوشهر به فرانسه ببرند. اودر بندر بوشهر تلگرافی به کشورش می‌فرستد که مضمون آن این است: «ما شناسنامه شرق را که خاک ایران با حسادات آن را در دل خود پنهان کرده‌بود، شکافتیم

خروج ۵۰۰ تن اشیای میراثی از ایران

پس از این تادوره ناصری اگر خبری از یافتن گنج هست، تصادفی است اما در دوره شاه صاحبقران، اولین اقدامات در زمینه حفاری‌های باستان‌شناسی توسط فرانسیوی هاضوت می‌پذیرد و ناصر تاجدار با انعقاد قرارداد، امتیاز انحصاری کاوش‌های علمی در این زمینه را به کاوشگران این کشور می‌سپارد، اتفاق نامبارکی که اسباب خروج اشیای عتیقه بسیاری را از ایران فراهم می‌کند. در واقع نخستین باستان‌شناسی که پایش به ایران باز شده، «مارسل دیولافوا» است که به همراه همسرش، «ژانت»، بارونیه فرانسه برمی‌چیند و راهی دیار شرق می‌شوند. این دو با حمایت ظل السلطان، پسر ناصرالدین شاه قاجار که در دوره زمامداری پدر، حکمران اصفهان بوده، سه سال تمام در شوش مشغول به حفاری می‌شوند. طبق آنچه ژانت در سفرنامه‌اش نوشته‌است. آن‌ها پس از این سه سال، تصمیم به رفتن می‌گیرند، در حالی که ۵۰۰ تن اشیای عتیقه را از دل خاک‌های ایران بیرون آورده‌اند و قرار است آن را از طریق بندر بوشهر به فرانسه ببرند. اودر بندر بوشهر تلگرافی به کشورش می‌فرستد که مضمون آن این است: «ما شناسنامه شرق را که خاک ایران با حسادات آن را در دل خود پنهان کرده‌بود، شکافتیم



بخشنامه اداره کل باستان شناسی، در مورد حفاری‌های غیرمجاز از سده دو در مناطق باستانی/ ۱۳۳۸



عملیات مرمت و بازسازی ارگ بم پس از حفاری‌های غیر قانونی/ ۱۳۶۷

منبع اخبار: کتاب اخبار خراسان پژوهش سید مهدی سید قطبی

یک ماه پس از درج این خبر نیز آقای صدیق اعلم، رئیس دانشسرای عالی پایتخت، با شش نفر از محصلین دانشسرا به مشهد می‌آیند تا در باره آثار تاریخی خراسان مطالعه‌کنند.

نکته شایان توجه این است که در این دوران نیز در نظام نامه آثار میراثی، برای ادامه فعالیت حفاری خارجیان در ایران، محدودیتی ایجاد نشده و همچنان امتیازنامه‌های قابل تمدید به آن‌ها داده می‌شده و تنها ادامه عملیات حفاری‌ها با عنوان «زیر نظر دولت ایران» مشخص شده بوده‌است.

قانون حفظ آثار میراثی در نهایت سال ۱۳۱۴ با اختصاص بودجه به این امر کارل ترمی‌شود تا این امر به یک میراث ماندگار تبدیل شود. این موضوع را می‌توان در خبری که روزنامه طوس ۱۷ فروردین ۱۳۱۴ خورشیدی با عنوان برای حفظ و نگهداری آثار قدیمی، «چاپ و منتشر می‌کند، خواند: «اخیرا از طرف وزارت جلیله مالیه راجع به مساعدت با نمایندگان اداره عتیقات نسبت به حفظ و نگهداری و تعمیر و مرمم ابنیه‌ای که از آثار ملی شناخته شده‌است، متحد المالی به عهده ادارات مالیه االت و ولایات صادر و مخصوصا تاکید شده‌است که در صرف اعتباراتی که برای این منظوری می‌گردد با جلب نظر اداره عتیقات و اطلاع اداره معارف محل نهایت سعی و مراقبت را به عمل آورند.



مجاز به گوشش می‌رسد و باز تاب رسانه‌ای می‌یابد اما نادراست و همین نیز نور امید است که نباید آن را به دست تدبادهای غیر کارشناسانه داد و همه ابعاد را سنجد. ابعادی که هدف آن در نهایت باید حفظ، بقا و ماندگاری این آثار برای ما و نسل‌های پس از ما باشد.

آثار ملی، تعمیر و احیای آثار و بناهای ارزشمند فرهنگی تاریخی کشور

مصوب می‌شود. از این تاریخ به بعد است که وضعیت آثار تاریخی و ابنیه میراثی ایران سرو سامان گرفته و جانی دوباره می‌یابد و سرنوشتی غیر از آنچه در گذشته با آن روبه‌رو بوده، پدید می‌آید. اگرچه که در

همین دوران هم، هزار چندگاهی اخباری مبنی بر حفاری‌های غیر